

# مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در پاریس: درباره تعلیم ترک تعصبات

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در پاریس:  
درباره تعلیم ترک تعصبات<sup>۱</sup>

(خطابات جلد اول، ص. ۱۵۸-۱۶۳)

هو الله

از جمله اساس بهاء الله ترک تعصب وطنی و تعصب مذهبی و تعصب جنسی و تعصب سیاسی است. زیرا عالم بشر به مرض تعصب مبتلا شده و این مرض مزمن است که سبب هلاک است. جمیع اختلافات و جنگها و نزاعها و خونریزیها سببش این تعصب است. هر جنگی که می بینید یا منبعث از

<sup>۱</sup> نطق مبارک ۲۳ ذی قعدة ۱۳۲۹ در منزل مبارک - پاریس ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱



ORIGINAL



AUDIO

تعصب دینی است یا منبعث از تعصب جنسی یا منبعث از تعصب وطنی یا تعصب سیاسیست. و تا این تعصبات موجود، عالم انسانی آسایش نیابد. لهذا حضرت بهاء الله می فرماید این تعصبات هادم بنیان عالم انسانی است.

(اول) نظر به اهل ادیان نمائید. اگر اهل ادیان تابع خدا هستند و مطیع تعالیم الهی، تعالیم الهی امر می فرماید ابدأ نباید تعصب داشت. زیرا تعالیم الهی صریحست که باید نوع بشر با یکدیگر به محبت معامله کنند و انسان هر قصوریست در خود ببیند، نه در دیگری و هرگز خو را ترجیح بدیگری ندهد، زیرا حسن عاقبت مجهول است و نمی داند. چه بسیار انسان در بدایت حال نفس زکی بوده بعد منصرف از آن شده. نظیر یهودای اسخریوطی، در بدایت بسیار خوب و در نهایت بسیار بد شد و چه بسیار که در بدایت بسیار بد است و در نهایت بسیار خوب. مثل پولس حواری که در بدایت دشمن مسیح و در نهایت اعظم بنده مسیح. پس عاقبت حال انسان مجهول است در اینصورت چگونه میتواند خود را ترجیح بر دیگری دهد؟ لهذا باید که در بین بشر ابدأ تعصبی نباشد؛ نگویید من مؤمنم و فلان کافر نگویید من مقرب درگاه کبریا هستم و آن مردود، زیرا حسن خاتمه مجهول است.

(ثانیا) اینکه باید بکوشد تا نادان را دانا کند اطفال نادان را ببلوغ برساند، نفوس بد خلق را خوش خو کند نه اینکه باو عداوتی داشته باشد، بلکه باید بکمال محبت او را هدایت کند.

(و ثالث) تعصب جنسی است. این مجرد وهم است، زیرا خدا جمیع ما را بشر، خلق کرده. کل یک جنسیم، اختلافی در ایجاد نداریم، امتیاز ملی در میان نیست، جمیع بشریم، جمیع از سلاله آدم هستیم. با وجود این وحدت بشر چگونه اختلاف کنیم که این آلمانی است، این انگلیس است، این فرانسه است، این ترکست، این روم است، این ایرانست؟ این مجرد وهم است. آیا به جهت وهمی جائز است که نزاع و جدال کرد. فرقی را که خدا نگذاشته میتوان آن را اعتقاد نمود و اساس قرار داد. جمیع اجناس سفید و سیاه و زرد و قرمز و ملل و طوائف و قبائل در نزد خدا یکسانست هیچیک امتیازی ندارد مگر نفوسی که بموجب تعالیم الهی عمل نمایند بنده صادق مهربان باشند محب عالم باشند رحمت پروردگار باشند. این نفوس ممتازند، خواه سیاه باشند خواه زرد خواه سفید. هر چه باشند، در نزد خدا این نفوس مقربند، این نفوس چراغهای روشن عالم بشزند و این نفوس درختان بارور جنت ابدی هستند. لهذا امتیاز بین بشر از جهت اخلاق و فضائل و محبت و عرفان است نه از جهت شرقی و غربی.

(چهارم) تعصب سیاسی است. نفوسی در عالم پیدا می شوند که آرزوی تفرد دارند. این نفوس فکرشان اینست که مملکت خویش را ترقی دهند، و لو سائر ممالک خراب شود. لهذا به جمیع وسائل تشبث

نمایند و عاقبت لشکر کشند، مملکتی را ویران کنند، هزاران نفوس را به قتل رسانند تا یک نامی پیدا نمایند و گفته شود این مدبر و فاتح فلان مملکت است و حال اینکه سبب شده، که هزاران بیچارگان هلاک شده اند و هزاران خانمان خراب شده هزاران طفل بی پدر و مادر مانده. و این فتوحات هم باقی نمی ماند بلکه یک روزی غالب مغلوب می شود و مغلوب روزی آید که غالب شود. به تاریخ مراجعت کنید؛ چه بسیار واقع شد که فرانسه بر آلمان غلبه کرد و بعد مغلوب شد و چه بسیار که انگلیس به فرانسه غلبه کرد، بعد از مدتی فرانسه غلبه نمود. پس این غالبیت نمی ماند منقلب می شود. مادام که باقی نیست، چرا انسان تعلق بآن داشته باشد و سبب خونریزی شود و ابناء انسان را که بنیان الهی هستند هدم کند؟

امیدواریم در این عصر نورانی این تعصبا نماند نورانیت محبت عالم را روشن کند، فیض ملکوت الله احاطه نماید، رحمت پروردگار شامل کل گردد، عالم انسانی از این قیود آزادی یابد و متابعت سیاست الهی کند، زیرا سیاست بشر ناقص است، اما سیاست الهی کامل است. ملاحظه کنید جمیع را خالق نموده و به جمیع مهربان است و جمیع را از فیض عنایت خود بهره و نصیب می دهد. ما بنده خدا هستیم بنده باید متابعت مولای خود را بجان و دل نماید. پس تضرع و زاری و دعا بملکوت الهی کنید تا این ظلمات زائل شود و نورانیت حقیقی جلوه نماید.

